

برونده ویژه این شماره:

بررسی حادثه کوی دانشگاه

مناظره دو تفکر



تبیین سه نقش در وقوع انقلاب اسلامی ایران

محمدجواد زبردست / دانشجوی رشته علوم اجتماعی

برنام‌گذار و قلم
نقدگر و ناقد
تعمیرکار و مجری

و تولید کنندگان داخلی صدمه زد بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت منازعه ی میان طبقات مسلط پیشین و دولت شکل گرفت که در آن بازاریان واجتماعات سنتی شهری به مرکز مخالفت میبدل تبدیل شدند و کم تنش های علیه دولت شاهنشاهی صورت گرفت. در ادامه تکمیل کننده این بخش می توان از جابه جایی ها و گسست طبقات اجتماعی ایران صحبت کرد که شرایط انقلاب را حاصل رودر رویی گروه های مختلف اجتماعی می دانند که شرایط ساختاری را شکل می دهند که نتایج انقلاب را هیچ گروه یا شخصی کنترل نمی کند.

(ب) تحلیل برد متوسط: این دسته از مطالعات، انقلاب ها براساس وضعیت نهاد های مدنی همسان در جامعه شکل گرفته اند احمد اشرف از موضع چپ گرای آکادمیک، انقلاب اسلامی ایران را در برتو نهاد مدنی مستقل از دولت و نه از جامعه توده وار توضیح می دهد از این دیدگاه بنیان های اجتماعی شورش در جریان انقلاب نهاد مسجد و بازار مهم ترین نهاد مدنی است که پایگاه مردمی داشتند و به لحاظ مالی مستقل از دولت بودند.

آخرین تحلیل را برایتان بازگو کنم:

(ج) تحلیل سطح خرد می باشد: مطالعاتی هستند که در تحلیل انقلاب به نقش کشتن گران و ناراضیانی آنان به دلیل عدم تطابق انتظارات ارزشی با امکانات موجود پرداخته اند. کاظم سام دلبیری در مطالعه خود، انتظارات و تمایلات اعضای جامعه را برحسب تقاطع طبقه اجتماعی مختلف تقسیم بندی می کند. طبقه متوسط در ایران دارای دو بخش است.

۱. متوسط سنتی ۲. متوسط جدید

گروه اول بازاریان و روحانیان هستند که انتظار بازگشت به اسلام مبارزه با ارزش های غربی، بودینی شدن حکومت جامعه هستند و بازاریان نیز از اوضاع از اقتصادی، تولید داخلی و تورم، بی کاری، بی عدالتی، و بی ارزشی شدن معنویات در جامعه ناراضی بودند.

طبقه متوسط جدید مشکل از: روشن فکران، دانشگاهیان، نخبگان، حزب توده، نهضت آزادی، بودند. که ارزش های آزادی، دموکراسی و تجدید را دریافته بودند و خلا آن را به علت وجود استبداد حاکم بیشتر احساس می کردند. عوامل اجتماعی موثر دیگری در وقوع انقلاب اسلامی ایران دخیل هستند اما به دلیل طولانی بودن این عوامل از آنان صرف نظر شده بیشتر عوامل اصلی بیان شده است.

ما انقلاب کردیم تا واقعیت ها را تغییر بدهیم نه آنکه آن ها را بپذیریم انقلاب ما انقلاب آرمان هاست نه واقعیت ها" شهید بهشتی.

در این یادداشت اجتماعی اقتصادی می خواهم، تبیین جامعه شناختی نقش نیرو های اجتماعی و اقتصادی در وقوع انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهم.

همان طور که می دانید به دلیل چند علتی بودن انقلاب ها تا کنون تحلیل های مختلفی درباره علل و عوامل موثر بر انقلاب اسلامی ایران بیان شده است صرف نظر از عوامل سیاسی تاثیر نیروهای اجتماعی و اقتصادی در فروپاشی رژیم پهلوی نقش به سزایی داشته است.

تحولات اجتماعی اقتصادی در جامعه ایران طی سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۵ می توان صرفاً ناشی از بی نظمی بی ثباتی، فقدان همبستگی اجتماعی محرومیت نسبی یا عدم توازن ساختی تعریف کرد. با تکیه بر مفهوم (به رسمیت شناسی اجتماعی) در نظریه هونت به تحلیل وقوع انقلاب اسلامی ایران می پردازیم. عوامل اجتماعی موثر در وقوع انقلاب اسلامی ایران به سه دسته تقسیم می شوند هر کدام را به طور خلاصه وار تشریح می کنیم: (الف) رویدادهای اجتماعی در سطح کلان: تحلیل این دسته از مطالعات عدم توازن نهادی و تناقضات ساختاری درون نظام اجتماعی است. اسکاچپول از محققان این حوزه است نقطه آغاز بحث او در تبیین اجتماعی انقلاب اسلامی ایران مطالعه تاثیرات نوسازی تحصیلی در ایجاد اشتغالی میان طبقات است. اصلاحات ارضی دهه چهل تحول کیفی در نظام تولید کشاورزی ایران به وجود آورد. تبدیل کشاورزی سهم بری به کشاورزی سرمایه داری از یک سو طبقه اشراف زمین دار را از بین برد و شرایط رشد سرمایه داری جدیدی را فراهم آورد از سوی دیگر کشاورزی مکانیزه جای کشاورزی سنتی را گرفت. در ادامه سیاست های جایگزینی واردات بیش از همه به بازاریان سنتی



روایتی از واکاوی زخم های کهنه

علی قاری / دبیر واحد تشکیلات جاد گلستان

نقل قول

همه چیز از رو در رو شروع شد. برنامه ای گفتگو محور که هر هفته در شبکه های مجازی منتشر میشد. یک مهمان ویژه داشت. فرمانده سابق بسیج دانشگاه تهران و نماینده مردم تهران در دوره های هفتم و نهم مجلس شورای اسلامی علیرضا زاکنی که در برنامه ابعاد تازه ای از حوادث ۷۸ و ۸۸ ارایه کرد و در نهایت به مخالفانش درخواست مناظره داد. مناظره ای که از طرف مصطفی تاجزاده تورسین مشهور جبهه اصلاحات مورد قبول واقع شد و اصحاب رسانه را آماده ی یک تقابل افشاگرانه کرد.

در قسمت آغازین مناظره ابتدا زاکنی به جناح مقابل تاخت و اصلاح طلبان را دیکتاتور هایی نامید که تنها شعار آزادی میدهند در ادامه به خاطراتش از حادثه کوی دانشگاه پرداخت و آغاز کننده درگیری را دانشجویان معترض دانست در مقابل تاجزاده که با خود کتب و مدارک زیادی به همراه آورده بود به فرانت گزارشات کمیته مهاجمان اقرار کرد و افزود تا حقیقتی باب اشاره کرد در دیوار اتاقش حتی دانشجویان در مراحل اولیه

تجمع بودند، هیچ سنگ اندازی و ناآرامی بدان معنا نبود. ولی از زمانی که در مراحل پایانی شب، آقای امیراحمدی با لباسی شخصی از یگان ویژه در خواست نیرو کرد و با دانشجویان وارد درگیری شد، به تدریج به دانشجویان مقابل دانشگاه اضافه شد و سنگ پراکنی ها و تجمعات شدت گرفت در ادامه زاکنی که به هیچ وجه گزارشات خوانده شده را قبول نداشت به بررسی های مجلس هفتم از حادثه کوی دانشگاه و درخواست پاسخ از رییس جمهور وقت اشاره کرد و به بیان بزرگنمایی های صورت گرفته پرداخت و گفت درباره دانشجویی که ادعا کرد با رمز

«با زهر» او را از طبقه پنجم به پایین انداختند، باید بگویم که ساختمان ۴ طبقه بیشتر نبوده و بعدها به آن دانشجو گفتند ماجرا را تعریف کن، گفت: سرم را بیرون بردند و به پایین انداختیم. از او پرسیدند چرا مجروح نشدی؟ گفت روی چمن افتاده

در مرحله بعدی تاجزاده به نیرو های لباس شخصی اشاره کرد و گفت مهاجمان اقرار کرد و افزود تا حقیقتی باب اشاره کرد در دیوار اتاقش



بیانات رهبری:



مگر من بارها نگفته ام در اجتماعات کسانی که مخالفند، هیچ کس نباید رفتار خشونت آمیز داشته باشد؛ چون این دشمن را خوشحال میکند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمیکنند؟! حتی اگر یک حرفی که خون شما را به جوش می آورد به زبان آورند - مثلا فرض کنید اهانت به رهبری کردند - باز هم باید صبر و سکوت کنید. اگر عکس مرا هم آنتی زدند و یا پاره کردند، باید سکوت کنید. نیروپتان را برای آن روزی که کشور به آن نیازمند است، برای آن روزی که نیروی جوان و مؤمن و حزب اللهی باید در مقابله با دشمن بایستد، حفظ کنید، والا حالا فرض کنیم یک جوان، یا یک دانشجوی فریب خورده ای هم حرفی زد و کاری کرد، چه اشکالی دارد؟ من از او صرف نظر میکنم.

سردار گنبروزابادی:



خود اصلاح طلبان تصویب کردند، خود شورای عالی امنیت ملی اجازه برخورد را داد و بعد دبیر شورای عالی امنیت ملی پاپیبه داد و آن را محکوم کرد و تصور می شد که سپاه یا نیروهای مسلح مسئول آن بوده، در صورتی که این طور نبود، این تصمیم شورای عالی امنیت ملی و تأیید رئیس جمهور بود. آن زمان جلوی خود بنده آقای روحانی با آقای خاتمی تماس گرفتند و گفتند وضع این گونه و جمع بندی این است و ایشان گفتند دیگر هر تصمیمی که گرفتید انجام دهید، از این به بعد هم همین طور خواهد بود.

سردار نظری (رییس وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ):



در حادثه کوی، ما طبق دستور به محل حادثه رفتیم که شنیدم کسی روی بی سیم ما رفته و می گوید «از هادی به تمام واحدها در صورت حمله، از سلاح گرم استفاده کنید». در صورتی که هادی من بودم! با فریاد گفتم «هادی منم، هادی منم، هیچ کس حق استفاده از سلاح گرم را ندارد. تکرار می کنم، به هیچ وجه از سلاح گرم استفاده نکنید».

نامه سردار نظری به خاتمی: خاتمی با توجه به اصل ۱۲۲ قانون اساسی از محضر ریاست محترم جمهوری جناب آقای خاتمی جهت شرکت در یک مناظره دعوت میکنم. دلیل خود را برای این دعوت آن میدانم که اولاً یک وظیفه و تکلیف شرعی است تا در حضور شما و در مقابل ملت هم صدا به دفاع از نظام برخاسته چراکه اعتقاد هردوی ما این است که آن اشوب علمه ای بزرگ به امنیت ملی بود، و ثانیاً نحوه عملکرد مسئولین در آن واقعه بازبینی شود. اما چنانچه به این درخواست حقجویانه پاسخ رد دهید تا شما همین حجت پس که عالم محضر خدایست و دیدار همه ما در صحرای محشر.